

بهکیش در گفت‌وگو با «شرق» بر برداشته شدن قیمت گذاری‌ها در ۵سال تأکید کرد

نیازی به جراحی نیست



بهکیش در نشست خبری با خبرنگاران در تهران، ۲۲ خرداد ۱۳۹۵

شرق: با اینکه از بی‌برنامگی دولت در پست‌اتحریم‌گله دارد، اما دو سیاست دولت در راستای حل بحران هسته‌ای و کاهش نرخ تورم را دو هدف بسیار درست دولت می‌داند و معتقد است اگر هرکدام از این دو مورد عملی نمی‌شود، وضعیت اقتصادی بسیار بدی داشتیم. محمدمهدی بهکیش، دانشیار بازنشسته دانشگاه علامه‌مطباطبایی، در گفت‌وگوی خود با «شرق» از نوعی سردرگمی در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی یاد می‌کند که آن را از نبود هماهنگی در تیم اقتصادی دولت منبعث می‌داند. او همچنین به تأثیرپذیری اقتصاد ایران از اقتصاد جهانی اشاره می‌کند و می‌گوید: «دوست داشته باشیم یا نه، آمریکا‌یی‌ها قدرت عجیبی در بازار پول و فاینانس پیدا کرده‌اند... باید متوجه باشیم که همیشه ممکن است حریف‌های قدرتمندی داشته باشیم و باید برای این حریف‌ها راهکار پیدا کنیم». او تأکید می‌کند: «بانک‌های بزرگ در اروپا می‌گویند اگر اشتباه کنیم جریمه می‌شویم و تحمل آن جریمه‌ها را نداریم. بنابراین عطای منافع کارکردن با ایران را به نفاقیش می‌بخشند. بنابراین باید کاری کنیم که این بهانه را از دست بانک‌ها و آمریکا‌یی‌ها بگیریم».

دولت بنا بود دست به اصلاح ساختاری بانک‌ها بزند. عملکرد دولت را در این زمینه چگونه ارزیابی می‌کنید؟

برای اینکه بتوانیم تولید را دوباره به چرخه عادی‌تر برگردانیم و رشد

مناسبی داشته باشیم، اولین مسئله بانک‌ها هستند. اکنون همه فکر می‌کنیم بانک‌های خارجی با ما کار نمی‌کنند؛ در نتیجه کار ایران بعد از برجام خوابیده است، اما بانک‌های داخلی هم مشکلات زیادی دارند؛ از جمله بدهی‌های معوق دولت به سیستم بانکی. هنوز بازار بدهی به‌درستی راه نیفتاده است. بازار بدهی راه گشایش خیلی خوبی بود و هست. به نظرم بانک مرکزی باید یک‌سری افراد متخصص در امور بانکی را از کشورهایی که در بانکداری قوی هستند، به‌ویژه از کشورهای اروپایی، استخدام می‌کرد تا وضعیت بانک‌ها را بررسی کرده و ترازنامه‌ها را شفاف کنند. اکنون بانک‌های خارجی با این ترازنامه‌ها نمی‌توانند به ما اعتماد کنند. باید در مقررات پول‌شویی و انتقال پول برای تروریسم قوی‌تر کار می‌کردیم تا سازمان FATF (گروه کاری اقدام مالی) ما را در لیست سرچاه قرار نمی‌داد. این مورد چیزی نبود که ندانیم. حتی گویا در مذاکرات برجام بحثی دراین‌باره انجام نشده؛ درصورتی‌که یکی از مشکلات است؛ بنابراین بخش مهمی از مشکلات ما مسائل بانکی و مؤسسات غیرمجاز هستند. به یک نکته هم باید توجه کرد؛ دوست داشته باشیم یا نه، آمریکا‌یی‌ها قدرت عجیبی در بازار پول و فاینانس پیدا کرده‌اند. حتی خودشان هم نمی‌دانستند. زمانی‌که آمریکا‌یی‌ها بانک‌های اروپایی را جریمه کردند، متوجه شدند چه قدرت بزرگی دارند.

یک بانک را ۱۰ میلیارد دلار جریمه کردند، به خاطر اینکه با سه کشور در تحریم، کار کرده بود و آن بانک این مبلغ را پرداخت کرد؛

.....

پیشنهاد من این بود که دولت آقای روحانی هم باید یک برنامه کوتاه‌مدت با فرض موفقیت یا عدم موفقیت برجام تهیه می‌کرد. برجام امضا شد اما در چنین شرایطی در سطح بالا توافق‌ها به دست نیامده بود. در صورتی که زمانی که صحبت‌ها درباره برجام بود، می‌شد این برنامه را تهیه و تناقض‌های سیاسی را برطرف کرد. اگر نیاز به چکش‌کاری توسط بزرگان بود، انجام می‌شد و برنامه‌ای آماده وجود داشت که با توجه به تمام

مقتضیات کارا را شروع می‌کردیم. هنوز هم این برنامه را نداریم

.....

چون می‌خواست در بازار آمریکا کار کند. باید متوجه باشیم همیشه ممکن است حریف‌های قدرتمندی داشته باشیم و باید برای برخورد این حریف‌ها راهکار پیدا کنیم. با تعدادی از بانک‌های بزرگ در اروپا که صحبت کردم می‌گویند اگر اشتباه کنیم جریمه می‌شویم و تحمل آن جریمه‌ها را نداریم؛ بنابراین عطای منافع کارکردن با ایران را به نفاقیش می‌بخشند. باید کاری کنیم که این بهانه را از دست بانک‌ها و آمریکا‌یی‌ها بگیریم. باید خیلی شفاف قوانین پول‌شویی را اجرا کرده و از متخصصان خارجی بخواهیم تا سیستم بانکی ما را بررسی کنند. باید برای انتقال پول به تروریسم با صدای بلند اعلام کنیم که چنین نیست تا بتوانیم این جو را تغییر دهیم و بانک‌های بزرگ بتوانند با ما کار کنند. ضمن اینکه ساختار بانک‌های داخلی هم باید برای کارکردن در سطح بین‌المللی آماده شود. درحال حاضر، چند سال است که اِل‌سی یا اعتبار استنادی باز نگرده‌ایم و از دنیای بین‌الملل دور بوده‌ایم. در ۱۰ سال گذشته دنیا خیلی تغییر کرده و مقررات جدیدی به وجود آمده و نحوه گردش پول در دنیا تغییر کرده است. اکنون در بورس چند ابزار محدود بیشتر نداریم و در دنیا چند ده برابر ابزار به وجود آمده که خیلی‌هایشان را اصلا بلد نیستیم. باید همه اینها را بیاموزیم و آموزش دهیم تا خودمان را آماده کنیم. همه این کارها باید در برنامه می‌بود و دولت بعد از برجام این برنامه را آغاز می‌کرد. هنوز هم دیر نشده و در یک سال باقی‌مانده خیلی کارها هست که دولت می‌تواند انجام دهد. اما جهت‌گیری باید مشخص باشد. باید تقاضا برای تولید داخلی و در نتیجه صادرات آن ایجاد شود تا کم‌کم که درآمد جامعه بالا می‌رود، تقاضای جامعه هم بالا رود.

اوایل برجام هیات‌های پرشمرا اقتصاد را تشکیل داد. این هیات‌ها به ایران می‌آمدند، اما اکنون دیگر آن شدت وجود ندارد. بیشتر قراردادهایمان به تفاهم‌نامه تم می‌شود و دلیلش هم همان ترس از آمریکا‌ست. دولت در این شرایط چه کار باید انجام می‌داده که ن داده؟ برای هر کدام از این بحث‌ها باید شاخصی برای اندازه‌گیری داشته باشیم. باید ببینیم وقتی از سرمایه‌گذاری خارجی صحبت می‌کنیم، آیا ایرانی‌ها حاضر به سرمایه‌گذاری هستند؟ آیا ایرانی‌های خارج از کشور برای سرمایه‌گذاری آماده شده‌اند؟ وقتی خود ایرانی‌ها حاضر به سرمایه‌گذاری نیستند و فضای کسب‌وکار را نامناسب می‌بینند چطور انتظار

۴ سه سال از دوره ریاست جمهوری آقای روحانی می‌گذرد. عملکرد او را در حوزه اقتصادی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

از دو یا سه وجه می‌توان دوره سه‌ساله را از نگاه اقتصادی مورد توجه قرار داد. رئیس‌جمهور بیشترین همت خود را بر این گذاشت که روابط بین‌المللی را آماده کند و بعد بتواند اقتصاد را به راه بیندازد. علاوه‌برآن تورم را کنترل کرد. به نظرم این دو هدف بسیار درست انتخاب شده بود چون هرکدام از این دو مورد عملی نمی‌شد، وضعیت اقتصادی بسیار بدی داشتیم. در رکود بسیار شدیدی بودیم، سرمایه‌گذاری نبود و... به نظرم این تمرکز به‌خوبی انجام شد تا به زمان امضای برجام رسید. برجام زمینه را فراهم کرد برای اینکه بتوانیم روابط خارجی و امکانات اقتصادی را فعال کنیم. اما باین‌حال، دولت باید برنامه کوتاه‌مدتی برای بازسازی اقتصادی پس از تحریم‌ها آماده می‌کرد که چنین نکرد.

زاین در زمان جنگ جهانی دوم گروهی را به زیرزمین‌ها فرستاد که بدون توجه به آنچه روی زمین و در میدان جنگ اتفاق می‌افتد، برنامه بازسازی زاین را برای بعد از پایان جنگ بنویسند. بنابراین ژاپن پس از پایان جنگ یک برنامه مدون مشخص داشت که از فردای آن روز طبق آن شروع به کار کرد. پیشنهاد من این بود که دولت آقای روحانی هم باید یک برنامه کوتاه‌مدت با فرض موفقیت یا

عدم موفقیت برجام تهیه می‌کرد. این برنامه با برنامه‌های پنج‌ساله بسیار متفاوت بوده و در بخش‌های اقتصادی، بسیار اجرایی و دقیق است. این کار انجام نشد. برجام که امضا شد، طبیعتاً تورم هم در روند نزولی قرار گرفته بود که بخشی به دلیل انتظارات بود، بخشی به‌خاطر کاهش قیمت کالاها و بخشی به دلیل برخورد دولت آقای روحانی. در چنین شرایطی در سطح بالا توافق‌ها به دست نیامده بود.

در صورتی که زمانی که صحبت‌ها درباره برجام بود، می‌شد این برنامه را تهیه و تناقض‌های سیاسی را برطرف کرد. اگر نیاز به چکش‌کاری توسط بزرگان بود، انجام می‌شد و برنامه‌ای آماده وجود داشت که با توجه به تمام مقتضیات کار را شروع می‌کردیم. هنوز هم این برنامه را نداریم. در نتیجه دولت آقای روحانی نمی‌داند در مورد آزادسازی اقتصادی، آیا این کار را انجام دهد یا نه. در برنامه‌ها دستور داده می‌شود باید خصوصی‌سازی انجام شود، در قوانین ما تصویب شده که باید اقتصاد رقابتی شود، اما دو، سه پارامتر مهم نیاز است که هیچ برنامه‌ای در مورد این پارامترها تنظیم نشده؛ مثلاً اینکه چطور باید تعرفه‌ها را پایین بیاورند. ما تعرفه نزدیک صددرصد داریم. برای اینکه اقتصاد یا بخش‌های دیگر را رقابتی کنید باید تعرفه پایین بیاید. اگر کالا در داخل ایران نتواند با کالای خارجی که بدون تعرفه آمده، رقابت کند چطور قرار است صادر شود و رقابت کند؟ امکان ندارد مگر به زور سوبسیدی یا جاذبه صادراتی. در مورد خصوصی‌سازی و پایین‌آوردن تعرفه‌ها هنوز هم استراتژی مشخصی در دست نیست. البته درباره تثبیت اقتصادی که لازمه همه این حرکت‌هاست، اقدامات خوبی انجام شد و اقتصاد ما به‌نوعی به تثبیت رسیده که بستر بسیار لازم و مهمی است. در نتیجه یک نوع سردرگمی در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی به چشم می‌خورد.

۴ با اینکه از کاهش تورم به‌عنوان دستاورد دولت یاد می‌شود، برخی کارشناسان معتقدند کاهش تورم موجب عمق بیشتر رکود شد. در این صورت هم می‌توان کاهش تورم را یک دستاورد دانست؟

اولا هم‌زمان که تورم رو به کاهش بود، حجم پول افزایش پیدا کرده و رشد نقدینگی را شاهد بودیم. بنابراین اگر در وضعیت عادی بودیم انتظارات به این صورت نبود، تورم نباید کم می‌شد. اما تورم به‌خاطر عواملی که به آن اشاره کردم، کم شد. نرخ تورم که دولت آن را به‌نوعی هدایت کرده، در آن نظر حجم پول، بلکه از نظر انتظارات و صرفه‌جویی‌هایی که دولت منجر شد انجام دهد کم شد. این اصلا به رکود ارتباطی ندارد. رکود ما به دلیل این است که فضای کسب‌وکار ما یکی از بدترین‌ها در منطقه است. کاهش تورم موجب رکود نیست. اگر تورم برعکس شود، باز هم نمی‌توانیم از رکود خارج شویم. زمانی پول نفت فراوان داشتیم و از طریق طرح‌های عمرانی و پروژه‌ها، درآمد حاصل از فروش نفت را بین مردم توزیع می‌کردیم و مردم قدرت خرید داشتند. حالا دولت نمی‌تواند پول را به اقتصاد سرسازیر کند. برای ایجاد تقاضا هم نمی‌توانیم پول چاپ کنیم و به دست مردم بدهیم، باید راه صادرات را باز و کمک کنیم که صنایع در بازارهای صادراتی بتوانند کالایشان را بفروشند تا تعطیل نشوند. برای اینکه بتوانند وارد بازارهای صادراتی شوند باید قیمت‌ها رقابتی باشند. پس اقتصاد باید رقابتی شود. ما به پول نفت زیاد عادت کرده‌ایم و منتظریم به وسیله آن بتوانیم خرید کنیم. ما کالاهایی که تعرفه بالایی دارند را در داخل خیلی گران می‌خریم. دولت باید پایین‌آوردن تعرفه‌ها باید برنامه‌ای تنظیم می‌کرد. البته این‌طور نیست که اثرات صفر و صد باشد.

۴ با توجه به اینکه نقدینگی به هزارهزار میلیارد تومان رسیده و نرخ رشد نقدینگی نزدیک به ۲۵ درصد است، می‌توان گفت دولت دهم انضباط مالی و پولی نداشته است؟ از نظرم انضباط پولی به دولت نمره خوبی می‌دهم. ما تا امروز با یک تاریخچه افزایش نقدینگی مواجه بوده‌ایم. به سری زمانی رشد نقدینگی توجه کنید، کمتر سالی است که نقدینگی ما کمتر از ۲۰ درصد رشد کرده باشد. در کشوری که رشد نقدینگی به صورت تاریخی به این صورت درآمده، دولت نمی‌تواند آن را یک‌باره به پنج درصد برساند. البته قطعاً می‌گویم باید رشد نقدینگی کمتر از این می‌بود که اکنون هست. علاوه‌برآن توجه کنید که در رشد نقدینگی، وضعیت بانک‌ها هم به خیل بوده است. دولت از نظر انضباط مالی مناسب عمل کرد و به نظرم بودجه را نسبتاً خوب تنظیم کرده البته اگر بتواند آن را اجرا کند. مهم‌ترین کاری که دولت در سال گذشته انجام داد این بود که برای کسری بودجه، پول چاپ نکرد که باید در این‌باره نمره خوبی به دولت داد. چون دولت‌های قبل در چنین وضعیتی که گیر می‌کردند، در خزانه بانک مرکزی را باز می‌کردند و بدهی دولت به بانک مرکزی خیلی بالا می‌رفت؛ بنابراین در زمینه انضباط پولی هم این دولت خوب عمل کرده است.

اقتصاد

دارید خارجی‌ها این کار را انجام دهند؟ اوایل برجام همه می‌خواستند ایران را بعد از چند سال دوری دوباره بشناسند و امکانات را بسنجند. سرمایه‌گذار خارجی حتماً باید شریک ایرانی داشته باشد، بنابراین مهم است که ایرانی‌ها در ابتدا حاضر به سرمایه‌گذاری در کشور خود باشند. سرمایه‌گذاران خارجی با دولت قرارداد می‌بندند که پولی بگیرند و کاری را انجام دهند که اکنون هم حاضر به این کار هستند. تضمین‌های دو سه لایه هم می‌گیرند. قبل از این جریانات هم در نفت و گاز این کار را می‌کردند. حتی مصادره نفت روی آب‌های بین‌المللی را به عنوان تضمین می‌گرفتند. اکنون درباره نفت با اینکه دولت آماده دادن تضمین است، به دلیل روابط بانکی این کار انجام نمی‌شود. برای ما مهم این است که در بطن اقتصاد سرمایه‌گذاری شود. در تولید کالا و خدمات است که ایجاد اشتغال می‌شود. سرمایه‌گذاری در بخش نفت خیلی خوب است، اما منجر به اشتغال نمی‌شود و از مهندسان سطح بالا استفاده می‌شود؛ باید در جایی سرمایه‌گذاری شود که از افراد تحصیل‌کرده و کم‌تجربه هم استفاده شود. مثلاً در قسمت توریسم باید سرمایه‌گذاری شود. البته سرمایه‌گذاری باید در جایی باشد که سوبسید هم ندهیم؛ مثلاً در خودرو خیلی باید مواظب باشیم، چون سوبسید زیادی به اتومبیل‌سازان می‌دهیم، آیا قرار است این سوبسید را به خارجی‌ها هم بدهیم؟

۴ دولت برای ایجاد رشد اقتصادی، سراغ صنایع بزرگ مثل خودرو و فولاد می‌رود. این رفتار از سوی دولت مقبول است یا رفتاری عوام‌فریبانه است؟

به نظرم دولت واقعا رفتار عوام‌فریبانه ندارد و یکی از دولت‌های صمیمی با مردم است. برداشت من این است که متخصص کافی از نظر اقتصادی در دولت وجود دارد و نقض تخصص نداریم. اما فضای تصمیم‌گیری نامناسب است؛ مثلاً یکی از وزرا گفتند به منظور رقابتی‌کردن اقتصاد سازمان حمایت باید منحل شود، یعنی قیمت‌گذاری باید از بین برود. صحبت خوبی نبود چون همان‌طور که اشاره کردم، برای رقابتی‌شدن دو، سه کار اصلی باید انجام شود که یکی از آنها برداشته‌شدن قیمت‌گذاری است. با ناز و نوازش، اقتصاد درست نمی‌شود، باید جاهایی را جراحی کنیم. در همان دولت یک وزیر دولت می‌گویند نباید این کار انجام شود. در یک دولت که در بدنه تصمیم‌گیری آن نظرات مخالف هم هست، تصمیم درست به وجود نخواهد آمد.

۴ پس وزیران اقتصادی در دولت فکر منسجعی ندارند و باید فکری به حال این انسجام کرد؟

در بدنه دولت باید اعضا با هم هماهنگ باشند بعد صحبت کنند. از این نقطه‌نظر دولت آقای روحانی مشکل خیلی جدی دارد و به‌همین‌دلیل تصمیم درستی در دولت اتخاذ نخواهد شد.

۴ پیشنهاد شما چیست؟

مجبوریم به سمت آزادسازی برویم و مشکلات آن را تحمل کنیم. دکتر روحانی باید برای جامعه شفاف صحبت کند و در کنار نکات مثبت، مشکلات را هم بگوید در غیراین‌صورت کارخانجات تعطیل خواهند شد. واحدهای تولیدی در‌حال‌حاضر هم در حال تعطیل‌شدن و کم‌کردن نیرو هستند، چون چاره‌ای ندارند. دولت یازدهم باید آنچه هست را به مردم اعلام کند. او خیلی خوب سعی می‌کند امید را نگه دارد، اما تا جایی می‌توان این کار را انجام داد که واقعات را منکر نشویم. دکتر روحانی و وزیران باید به‌صراحت وضعیت اقتصاد را اعلام کنند و ما جز آزادسازی اقتصاد راهی نداریم. خیلی‌ها می‌گویند دولت این کار خطرناک را یک‌سال مانده به انتخابات انجام نمی‌دهد. اگر چنین باشد، امسال رشد اقتصادی را خیلی کم می‌بینم، البته فروش نفت زیاد شده و ممکن است دو درصد رشد برای ما بیاورد، اما در بخش‌های دیگر رشدی نمی‌بینم. اگر بانک مرکزی رقب‌های واقعی را منتشر کند چقدر رشد به سه درصد خواهد رسید که منجر به رشد اشتغال نخواهد شد. حتی اگر رشدی هم داشته باشیم، به خاطر نفت است که منجر به ایجاد اشتغال نمی‌شود.

۴ این جراحی اقتصادی در شرایطی که با بی‌کاری و رکود در اقتصاد

مواجهیم، منطقی است؟

قبول دارم این آزادسازی مشکلاتی خواهد داشت و شاید کشور نتواند این مصائب را در صورت پیاپی‌شدن با سرعت بالا تحمل کند. در چنین شرایطی اگر برنامه‌ای تهیه شود و دولت‌مردان بگویند قیمت‌گذاری در پنج سال برداشته می‌شود، اصلاً نیازی به جراحی نیست و می‌تواند بسیار معقول انجام شده و به صنعتگران داخلی دورنمایی روشن را نشان دهد. اکنون یک صنعتگر می‌خواهد یک کالایی تولید کند نمی‌داند بعداً به چه قیمتی آن را خواهد فروخت و اصلاً برایش سودآور خواهد بود یا نه. اگر تصویر روشنی نداریم سرمایه‌گذاری صورت نمی‌گیرد در نتیجه همه سعی می‌کنند واحدهشان را کوچک کنند که پولشان را نجات دهند. باید برنامه‌ای تدوین کنیم که تصویری روشن ارائه شود که قرار است تعرفه‌ها به‌تدریج کم شود و بزرگان از آن پشتیبانی کنند تا صنعتگران احساس اعتماد کنند و شیف‌ت کاری‌شان را بیشتر کنند. بعد به سمت پیداکردن بازار مناسب بروند. درحال‌حاضر در حال دست‌دادن دو بازار افغانستان و عراق که قبلاً به آنها کالا صادر می‌کردیم، هستیم. در این صورت این اقتصاد بسیار ضعیف خواهد شد و در صورت ادامه این وضعیت، سال بعد رشد اقتصادی حتماً منفی خواهد بود. بنابراین با وضعیت خوبی مواجه نیستیم. مسئله روابط بین‌الملل را هم باید درست کنیم. در دنیای کنونی نمی‌شود مدام دعوا کرد، بالاخره هر کشور باید یاد بگیرد چطور بین دشمنانش آرام زندگی کند. اکنون اگر بخواهیم صادرات داشته باشیم، بازار عمده‌مان عراق است که کشوری عرب است. با درگیری‌ای که با عربستان پیدا کرده‌ایم، اگر بازار عراق را هم از دست بدهیم، وضعیتمان خیلی بد خواهد شد. اکنون نمی‌توانیم به اروپا کالا بفروشیم. به نظرم هند بازار خوبی برای صادرات کالا و گاز است. خیلی‌ها هند را قبول ندارند چون زمانی خیلی پول‌دار بودیم و با اروپا کار می‌کردیم. دنیا عوض شده و ما هنوز این عوض‌شدن را هضم نگرده‌ایم. باید زندگی‌کردن در دنیای جدید را که با ۱۰ سال پیش بسیار متفاوت است بیاموزیم و آن را به مردم بیاموزانیم. جامعه‌ها هنوز این تغییر پارادایم در جهان را درک نکرده است. کار بسیار سنگینی در پیش داریم.

ادامه از صفحه ۱۱

۳ سال سخت باشیح احمدی‌نژاد

در لایحه بودجه سال ۱۳۹۵، سهم مالیات ارزش افزوده از کل مالیات‌ها ۲۹.۳ درصد، بنگاه‌های خصوصی ۲۲.۳ درصد، واردات ۱۵.۱ درصد، بنگاه‌های غیرخصوصی ۹.۷ درصد، حقوق و دستمزد ۸.۷ درصد، مشاغل ۴.۲ درصد، ثروت ۲.۵ درصد و مستغلات ۰.۸ درصد، در نظر گرفته شده است. براساس لایحه بودجه، در سال ۱۳۹۵ نسبت به سال ۱۳۹۲، مالیات ارزش افزوده ۲.۹ برابر، واردات ۱.۹ برابر، بنگاه‌های خصوصی ۱.۹ برابر، درآمد ۱.۹ برابر، بنگاه‌های خصوصی ۱.۹ دولتی ۱.۷ برابر و ثروت ۱.۲ برابر رشد خواهد داشت. از کل افزایش مالیات لایحه بودجه سال ۱۳۹۵ نسبت به سال ۱۳۹۲، ۳۷ درصد سهم مالیات ارزش افزوده، ۲۰ درصد سهم بنگاه‌های خصوصی، ۱۴ درصد سهم واردات، ۷.۸ درصد سهم بنگاه‌های عمومی، چهار درصد سهم مشاغل و فقط به‌ترتیب ۰.۸ و ۰.۶ درصد سهم مستغلات و ثروت است. بنابراین افزایش بار مالیاتی بنگاه‌های خصوصی بیش از واردات، ۲.۶ برابر بنگاه‌های دولتی، پنج برابر مشاغل (شامل همه اصناف و عمده‌فروشان و خرده‌فروشان)، ۳.۱ برابر ثروت و ۲۵ برابر مستغلات است.

شاخص‌های جهانی

در سال‌های اخیر بارها در محافل دولتی و بخش خصوصی درباره شاخص‌هایی از قبیل سهولت کسب‌وکار، رقابت‌پذیری جهانی، توسعه انسانی و مانند اینها بحث‌های زیادی در گرفته است.

دراین‌باره شایان ذکر است هم‌اکنون نزدیک به ۲۰۰ کشور بزرگ و کوچک جهان در فهرست سازمان‌های بین‌المللی قرار داشته و به‌تدریج این شاخص‌ها به صورت متوسط بیش از ۱۵۰ کشور را دربر می‌گیرد. در سال ۲۰۱۴ میلادی (متناظر با ۱۳۹۳) براساس نرخ‌های برابری دلار و برابری قدرت خرید، اقتصاد ایران به‌ترتیب در رتبه‌های ۲۸ و ۱۸ قرار می‌گیرد. اندازه اقتصاد ایران بر پایه نرخ‌های برابری دلار و برابری قدرت خرید، به‌تثانی به ترتیب از ۷۷ و ۸۷ کشور جهان بزرگ‌تر است. در سطح جهانی رتبه‌های پایین‌تر از صد اهمیت نداشته و برای کشوری در حداندازه ایران، اصولاً رتبه‌های کمتر از ۵۰ موضوعیت ندارد، چه برسد به اینکه برای مثال تغییر رتبه ایران از ۱۴۰ به ۱۳۰ یا برعکس، به‌عنوان مسئله‌ای قابل‌توجه دیده شده و درباره آن بحث شود.

همچنین با اینکه وضعیت کشورها و امیزنشین‌های حوزه خلیج‌فارس از لحاظ شاخص‌های رقابتی مناسب است، اما رتبه‌های بسیار عالی آنها حاکی از اعمال نظر در تدوین این‌گونه گزارش‌هاست. بحران مزمن و ریشه‌دار اقتصادی ایران که با عمیق‌ترشدن رکود، هر روز بیشتر خود را عیان می‌کند، ریشه در سیاست‌گذاری‌ها و سازوکارهایی دارد که کم‌رنگ‌شدن نقش مردم در اقتصاد و بسته‌شدن فضای فعالیت مولد و سازنده آنها را در پی داشته و آنچه در عمل مستمراً به وقوع پیوسته، افزایش هزینه‌های کار و تلاش و کاهش هزینه‌های رانت و سوداگری آلوده به فساد بوده است. عامه مردم از سویی امکان فعالیت اقتصادی مولد را از دست داده و از سویی با نبود درآمد لازم و کافی توان مصرف در تکیه بر فروش منابع ملی، بلکه در اتکا به نیروهای مولد داخلی با پیگیری سه محور (۱) کاهش اندازه و ابعاد دولت و افزایش کارآمدی و کارایی آن، (۲) تحدید بخش شبه‌دولتی رانتی و سربار اقتصاد و (۳) گشایش فضا و کاهش هزینه‌های کسب‌وکار بخش خصوصی مولد، است.

امید می‌رود با همکاری و پشتیبانی مجلس جدید و بازسازی تیم اقتصادی دولت، تحولات مثبت سیاست خارجی که در تسهیل روابط تجاری، کاهش تنش‌های سیاسی و تقویت وزنه منطقه‌ای منعکس شده، بتواند در خروج اقتصاد از رکود و تسریع توسعه اقتصادی و در کنار آن ایجاد اشتغال مولد و بهبود معیشت عامه مردم تأثیرگذاری لازم را داشته باشد.

ادامه از صفحه ۹

عملکرد اقتصادی دولت آقای روحانی: یک ارزیابی ۳ساله

رکود از منفی هفت به منفی دو درصد کاهش یافت و در سال ۱۳۹۳ به سه درصد تبدیل شد. بنابراین اقدامات دولت در جهت خروج از رکود بود اما اینکه سرعت این خروج مطابق میل و انتظارات برخی نبود، نکته دیگری است. آنها باید توجه داشته باشند هر چیزی زمان خود را طلب می‌کند. یک سرماخوردگی برای رفع‌شدن ۱۰ روز زمان می‌برد. چرا برای عده‌ای عجیب است که خروج یک اقتصاد به این عظمت از رکود سه سال به طول انجامد؟ مگر در آمریکا که برترین اقتصاد جهان است با گذشت هشت سال اقتصادشان توانسته از رکود خارج شود؟ اروپا چطور؟ مگر خروج از رکود دیگر کشورها کمتر از سه یا چهار سال زمان می‌برد؟ به‌هرصورت، گشایش ناشی از توافق موقت در سال ۱۳۹۳، توافق جامع در سال ۱۳۹۴، ایجاد ثبات در عرصه پولی موجب ورود بخشی از درآمد دولت در خارج، رونق صادرات غیرنفتی و ورود مواد اولیه موردنیاز صنایع شد و این امر به اقتصاد کمک کرد تا به‌تدریج از شرایط بحرانی خارج شوند. دولت به‌درستی توانست فرمان اقتصاد را در بزنگاه‌های متعددی که وجود داشت طوری هدایت کند که ماشین اقتصاد به‌سلامت از این گردنه‌ها عبور کند اگرچه فشار ناشی از این مشکلات اقتصادی متوجه کل جامعه، به‌ویژه بخش ضعیف و آسیب‌پذیر شد. جایی که این فشار بیش از همه خود را نشان داد، نرخ بی‌کاری است. اگرچه با تعریف رسمی و جهانی از بی‌کاری، نرخ بی‌کاری ایران پایین است، اما اگر جمعیتی مایوس از یافتن شغل را نیز به جرگه بی‌کاران اضافه کنیم، ابعاد هراس‌انگیز این مسئله خود را نشان می‌دهد، اگرچه نگارنده آماری در اختیار ندارد، اما گمان می‌کند در این چند سال اخیر به جمعیت فقرای کشور به‌شدت افزوده شده باشد. اینها هزینه‌های تاسف‌باری است که اقتصاد بابت مواجهه با این تکانه‌های خارجی، متحمل شده است.

حال به اقداماتی که دولت به آن نپرداخته است، بپردازیم. به نظر می‌رسد محافظه‌کاری دولت در عرصه اقتصاد که اگرچه برای دو سال اول کاملاً توجیه‌پذیر بود، اما برای دو سال آخر دولت توجیه کمتری می‌یابد و به نقطه ضعف دولت تبدیل شده است. اگر محافظه‌کاری دولت در عرصه اقتصاد که در دو سال اول یک انتخاب تاکتیکی بود، به استراتژی ماندگار دولت بدل شود، مانع از آن می‌شود تا دولت بتواند اقدامات مؤثری برای حل مشکلات اقتصادی به عمل آورد. بله رویه گذشته کمک کرده که اقتصاد به‌تدریج از رکود خارج شود و اقتصاد در سال ۱۳۹۵ احتمالاً رشدی بین چهار تا پنج درصد را تجربه کند اما اگر هدف‌گذاری آن باشد که اقتصاد رشد هشت‌درصدی را تجربه کند، منوط به آن خواهد بود که دولت تحول‌گرای را جایگزین محافظه‌کنی کند. به عبارت دیگر، دولت در عرصه سیاست خارجی تحولی ایجاد و وزیر خارجه ایران مستقیماً با وزیر خارجه آمریکا دیدار کرد تا حل مشکلات تحریم سرعت یابد و دولت بابت این کار هزینه سیاسی نسبتاً شدیدی پرداخت. به همان شکل انتظار می‌رود دولت با جسارت و شجاعت، اقداماتی را در پیش گیرد و آماده باشد تا هزینه آن را نیز پرداخت کند.



اصلاح بدنه اداری دولت، تصمیم‌گیری قطعی درباره پروژه‌های نیمه‌تمام عمرانی، تجدیدنظر اساسی در قوانین بانزبنستگی و کاهش امتیازات مربوط به حقوق بازنشستگی، تجدیدنظر اساسی در قیمت‌گذاری خدمات دولتی به‌ویژه قیمت آب، برق و حامل‌های انرژی، اصلاح قانون کار به‌نفع استخدام جوانان جویای کار، شفافیت و ساماندهی نظام حقوق و دستمزد مدیران و شیوه انتصاب و ارتقای آنها، از جمله‌اموری است که هر کدام هزینه‌های بسیار زیادی خواهد داشت و انتظار می‌رود دولت شجاعانه به این عرصه‌ها وارد شود و هزینه‌هایش را بپردازد تا راه برای رشد اقتصاد هموار شود. اصلاح قوانین عرصه دیگری است که تا اندازه زیادی مغفول مانده است. اگرچه وزارت اقتصاد اقدامات شایان تقدیری در زمینه بهبود فضای کسب‌وکار و کاهش مقررات زائد به عمل آورده، اما اصلاح قوانین بنیادی نظیر قانون تجارت و قانون کار مورد غفلت قرار گرفته است. این اصلاحات خوشبختانه نیامزند پول نیست، ولی می‌تواند قاعده فعالیت در اقتصاد را در کشور تسهیل کند. همچنین به نظر می‌رسد با وجود اقداماتی که دولت برای بهبود وضعیت طبقات فقیر جامعه انجام داده اما هنوز اقدامات بیشتری می‌توان صورت داد. اصلاح قانون پرداخت یارانه به نفع افزایش پرداخت به فقرا نمونه‌ای از اقداماتی است که متأسفانه هر بار دولت از انجام آن محروم می‌کند و هراس از واکنش جامعه موجب می‌شود به تداوم وضع موجود رضایت دهد.

دولت باید در عرصه جذب سرمایه‌گذاری خارجی فعال‌تر و با شجاعت بیشتر اقدام کند و باصراحت آن اقداماتی مانند خرید هواپما از محل اجاره به شرط تملیک دفاع کند و اقدامات بیشتری در جهت رونق زیرساخت‌های زیر راه‌اندازی خطوط قطر پرسرعت از طریق سرمایه‌گذاری خارجی صورت دهد. اصلاح وضعیت سفارتخانه‌ها و کاهش هزینه‌های گزافی که بر اقتصاد تحمیل می‌کنند اما کارکرد چندانی در جهت افزایش صادرات ایران و جلب سرمایه‌گذاری خارجی به ایران ندارند. نیز اولویت مهمی است که متأسفانه تحت‌الشعاع عملکرد درخشان آقای ظریف و تیم همراه در مذاکرات قرار گرفته است. سیاست قیمت‌گذاری و کنترل مسووری قیمت‌ها هنوز در صنایع متعددی تداوم دارد و دولت هنوز جسارت دست‌کشیدن از این امور را ندارد. به نظر می‌رسد تغییر رویکرد دولت در عرصه اقتصاد از محافظه‌کاری به تحول‌گرائی، منوط به یک تحول در تیم دولت است و این چیزی است که متأسفانه دولت تاکنون از انجام آن سر باز زده است و اینک هزینه‌های بالای این خودداری، دارد خود را بر اقتصاد تحمیل می‌کند.